انعکاس مبنای حرف واحد و نزول واحد در کتاب پژوهشی در رسم المصحف

در فرمایشات مرحوم صاحب مفتاح الکرامه، صفحه پنجم بودیم. فرمودند:

> و قال الإمام الرازی: اتفق الأکثر علی أنّ القراءات منقولة بالتواتر، و فیه إشکال، لأنّها إن کانت منقولة بالتواتر و أنّ اللّٰه خیّر المکلّفین بینها کان ترجیح بعضها علی بعض واقعاً علی خلاف الحکم الثابت بالتواتر، فوجب أن یکون الذاهبون إلی ترجیح البعض علی البعض مستوجبین للفسق إن لم یلزمهم الکفر، کما تری أنّ کلّ واحد من هؤلاء القرّاء یختصّ بنوع معیّن من القراءة و یحمل الناس علیه و یمنعهم عن غیره، و إن قلنا بعدم التواتر خرج القرآن عن کونه مفیداً للجزم و القطع و ذلک باطل قطعاً، انتهی[1]

«و قال الإمام الرازی: اتفق الأکثر علی أنّ القراءات منقولة بالتواتر»؛ اکثر اتفاق دارند.**«و فیه إشکال»؛** چند بار عرض کردم ایشان که وارد شدند نسبت به اکثر علمائنا، فرمودند «متواترة الیه صلی‌الله‌علیه‌وآله». شروع کلام ایشان این بود؛

> فالظاهر من کلام أکثر علمائنا و إجماعاتهم أنّها متواترة إلیه صلی الله علیه و آله و سلم و نقل الإمام الرازی اتفاق أکثر أصحابه علی ذلک کما یأتی نقل کلامه[2]

پس ایشان بیان کردند که اتفاق اصحاب ما بر این است که «کل متواترة الیه صلی‌الله‌علیه‌وآله». رازی هم همین را گفت. بعد می‌فرمایند: گفته که در این اشکال است. نوعاً همه تلقی این می‌شود که فخر رازی در این اشکال کرده است. خب چرا دنباله عبارت ایشان و جوابی که داده، آورده نمی‌شود؟! مناسبت ندارد. خود فخر رازی همان جا جواب می‌دهد. همان بخش اولش می‌فرمایند: «اکثر علمائنا انها متواترة»، این عبارت کمی نیست که صاحب مفتاح الکرامه با این تبحر و تخصصی که دارند، این را فرمودند.

الآن کتاب را نیاورده ام. در این چند روز کتابی را می‌خواندم. اگر عمری بود جلسه بعدی می‌آورم و می‌خوانم. زیاد دیده بودم؛ سومین موردی که در یک مقامی گفته شد که برای من خیلی مهم بود. در

فضای گرمای تابستان، آقایان را اذیت کردیم؛ گاهی عرضم این بود که احساسم این است که این بحث ضروری نیست، بلکه فوق ضروری است. یک مورد سومش را در این کتاب برخورد کردم. حالا اگر وقت شد بخشی از آن را عرض میکنم.

در اینجا میگویند: «فالظاهر من اکثر علماءنا انها متواترة الیه»، اما آن جا میگویند اجماع شیعه است بر اینکه تنها یکی از آنها قرآن است. یک اجماع به این صورت در بایدی که نظر شیعه این است! چطور میشود که به این محکمی به این صورت جا بگیرد؛ یعنی در این بحث به این سنگینی بگویند که اجماع شیعه بر این است. یکی از آنها را آوردهام، در آخر کار میخوانم. ابتدا بحثها را عرض میکنم.

اگر درست یادم بیاد کتاب به نام پژوهشی در رسم المصحف است. برای مرکز طبع و نشر قرآن کریم در تهران است. خیلی هم زحمت کشیدهاند. کتاب خیلی خوبی هم هست. اساتید و خبره فن آن را نوشته اند. دو نفر از اساتید بزرگوار کتاب را نوشته اند و خیلی هم پر استفاده است. اگر بخوانید میبینید که رسم المصحف خودش یک رشته تخصصی است.

آن جایی هم که مقصود من بود –فایل ها و خود کتاب هم موجود است- فرمودند ما راجع به نوشتن قرآن کریم سه قول داریم؛ در رسم مصحف سه قول داریم. یک قول این است که رسم المصحف از جانب خداوند توقیفی است. جبرئیل امین به این صورت دستور داده که اینطور بنویسید. این قول اول است. قول دوم این است که نه، خط معمولی بوده که کاتب می نوشته و وحی نازل میشده و حضرت هم املاء میفرمودند و او هم طبق خط آن زمان می نوشته. فذا چون توقیفی نیست مخالفت با آن جایز است. اقوال را در طول تاریخ میآورند. سومین قول که مختار کتاب پژوهشی در رسم مصحف است؛ میگویند قول سوم این است که توقیفی نیست. اما لازم است که حتما ً بر همان رسم مصحف عثمانی روز اول مواظبت شود. یعنی ولو از حیث تغییر دادن به رسم املائی رایج مشکلی نباشد اما نباید این کار را کرد. بلکه باید محفوظ بماند. بعد از اینکه اقوال و ادله ی خود را میآورند میگویند مختار ما هم همین است.

آنطور که من یادم میآید مصحف هایی که به رسم املائی بود، در همه خانهها بود. اصلا ً اینطور خط عثمان طه که الآن رایج است، اصلا ً نبود. وقتی خط عثمان طه آمده بود، سخت بود که آن را بخوانیم. چون برای ما مانوس نبود. همان خط عبد الرحیم و طاهر خوشنویس و حافظ عثمان در قدیم بود. خب کسی میرسید به «مالک یوم الدین»، از اول «مالک» میخواند. اما بعد که مصحف میآید، «مالک»، الف ندارد. لذا شما باید «ملک» ببینید و «مالک» بخوانید.

قول سوم این است که چرا «مالک» مینویسید؟! ولو حرام نیست و لو توقیفی نیست، خدا و جبرئیل نفرموده اند که شما «مالک» را بدون الف بنویسید. اما ما مسلمانها باید بر این مواظبت بکنیم. بهخاطر مصالح لزومیه ای راجحه. بعد توضیح میدهند. کتاب را نیاوردهام تا بخشی از عباراتش را بخوانم. یکی از مواردی که این لزوم ای رجحان را میآورد، این است: میگویند وقتی شما به رسم املائی رایج بنویسید، تنها میتوانید یک قرائت را سامان بدهید. همانی که الآن گفتم. وقتی «مالک» نوشتید، دیگر نمیتوانید «ملک» هم بخوانید. اما وقتی «ملک» را «مالک» نسخه اصلی مصحف عثمانی مینویسید، میتوانید بگویید «ملک» و «مالک» را بخوانید؛ یعنی محتمل الوجهین میشود. رسم مصحف تاب قرائات متعدده را دارد. این یک نکته که مطرح کردند.

در بخش بعدی میگویند یکی از امور مهم دیگر که مدافع این هستیم تا به این صورت بنویسیم و رسم املاء را اجراء نکنیم، اثبات مصونیت قرآن از تحریف است. میگوییم ببینید همانطوری که از روز اول پاسخ عثمان نوشته، ما آن را حفظ کردیم. الآن هم اجازه نمیدهیم آن را به رسم املائی برگردانید. ولو ما «مالک» میخوانیم، اما اجازه نمیدهیم چون او روز اول بدون الف نوشته، اجازه نمی

دهیم چون «مالک» میخوانیم آن را هم «مالک» کنیم. از این طریق کاملاً معلوم میشود که قرآن کریم چقدر از تحریف مصون بوده و مواظبت تام مسلمانان بر آن بوده.

بعد شبهه ای را مطرح میکنند. لازمه این تعدد قرائات تحریف قرآن هست یا نه؟ خلاصه قرآن کدام یک از آنها است؟ «ملک» یا «مالک» است؟ ما که نمیدانیم. اینجا منظور من است؛ میگویند طبق مبنای اهلسنت هر دوی اینها نازل شده است. قرائتی است که ملک وحی آورده است. اما نزد شیعه به این صورت است که ملک وحی تنها یکی از آنها را آورده است. خب چطور یک دفعه میگویید که نزد شیعه به این صورت است که یکی از آنها صحیح است؟!

---

[1] مفاتاحالکرامةفی شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين) ج۷ص۲۱۶

[2]همان ص۲۱۵

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 16:45:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 14:45:42 توسط ... .